

سرور من ، آیا آن شخص من هستم؟

مرقس فصل 14 آیه 17 تا 26

شامگاهان با آن 12 نفر آمد، و چون نشسته غذا می خوردند، عیسی گفت: هر آینه به شما می گویم که یک نفر از شما که با من غذا می خورد مرا تسلیم خواهد کرد. آن ها غمگین شدند و هر یک پرسیدند که آیا من انم؟ او جواب داد یکی از شما که با من دست در قاب فرو برد! به راستی که پسر انسان چنان که درباره او مکتوب است، رحلت می کند، ولی وای به حال آنکه پسر انسان به دست او تسلیم شود، بهتر بود برایش که زاده نمی شد. و چون غذا می خوردند عیسی نان را گرفت و برکت داد و تقسیم کرد و به آنان داد و گفت: بخورید که این جسم من است. و پیاله شراب را برداشته و شکر نمود و به ایشان داد تا همه از آن اشامیدند و بدیشان گفت: این است خون من از عهد جدیدی که بخاطر بسیاری ریخته میشود. به شما می گویم که بعد از این شراب نخواهم نوشید تا در ملکوت خدا از آن تازه بنوشم. و بعد از خواندن تسبیح به سوی کوه زیتون رفتند.

آن یک روز بخصوصی بود که از دوستی و صمیمیت موج می زد. یک روزی که همه با هم بودند و موضوع اجتماع را بزرگ با هم نوشتند. عید فصح. این یک تصویر مشهوری است از عیسی و شاگردانش در حال صرف شام آخر و این تابلو نیز به همین نام معروف است. انوقتها وقتی عیسی با شاگردانش دور میز می نشستند همه چیز کاملاً واضح بود، که عیسی با آنها است و شاگردان به این ایمان داشتند که کسی که با عیسی در اجتماع است در واقع با خدا ارتباط دارد. مدت زیادی بود که آنها می توانستند که عیسی را ببینند و معجزاتی که انجام داده بود و سخنانی که گفته بود را شنیده و دیده بودند، و تا همه این چیزها بود برای آنها نیز همه چیز روشن بود. آنها بله او را دیده بودند و ، با او تجربه کرده بودند و ضروریاتشان را با عیسی تقسیم کرده بودند. کجا خدا قرار دارد، همان جا اجتماع شکل می گیرد و جایی که عیسی است ، خدا نیز همانجاست.

ولی مثل یک صدای رعد کلام عیسی بر قلب آنان وارد شد. یکی از شما **12 نفر به من خیانت خواهد کرد.** عیسی به شاگردانش می گوید: کسی که اکنون در این بعد از ظهر ، طوری با من نزدیک است که از یک کاسه باهم غذا می خوریم. یکی از آنها عیسی را خواهد فروخت. خیانت بدترین کاری هست که یک آدم می تواند انجام دهد. اینکه آدم به تنها دوست خودش ، و یکی از اعضای خانواده اش خیانت کند شاگردان سریعاً این سؤال را پرسیدند: من این کار را می کنم؟ چرا این سؤال پیش آمد؟ وقتی همچین برنامه ریزی ثابتی اتفاق می افتد پس آدم باید حتماً از آن آگاه باشد ، اینطور نیست؟ چرا همه شاگردان همزمان آزرده خاطر شدند و به این فکر

کردند که شاید خائن باشند؟ در انجیل مرقس این قضیه به صورت مخصوصی روشن می شود، که تنها یهودا را نام نمی برد. این به این معنی است که هر کدام از آن ها به قلب خودش نگاه کرد و ترسید که نکند آن خائن من باشم! این توجه ما را جلب می کند به اینکه : هر کدامشان به این موضوع شهادت دادند. هر کدام از شاگردان و هر کدام از ما انسانها. ما همه از یک گل درست شدیم و جنس همه ما ادمها یکی است مثل یهودا ، و ما می توانیم توسط وسوسه و گناه به درجه وحشتناکی از پستی برسیم. ما هم می توانستیم به وفادارترین ، بهترین ، کسی که بوده و هست خیانت کنیم. و ما نیز به چالش کشیده می شویم با کلام جدید عیسی ، وقتی به آن گوش می کنیم. ما سؤال شاگردان عیسی را می شنویم: سرور ما آیا من آن هستم؟ و حال نگاهی به کارهایی که خودمان در زندگی خود می کنیم بیندازیم. ما در زندگی اغلب وقتی از عهده کاری بر نمیاییم آن را به گردن دیگران می اندازیم. بگذارید سؤال را امروز از خودمان بپرسیم: سرور من ! آیا آن شخص من هستم؟ دوستی و خیانت! این را ما در بین خودمان نیز می توانیم پیدا کنیم. اغلب ما وقتی در سرایشی فرو می رویم ادمها از دوست و فامیل و ... از دور و برمان پراکنده می شوند و سپس خیانت در ایمان برای ما پیش میاد. چه زمانهایی بسیاری است که اغلب من با خودم احساس نزدیکی بیشتری دارم تا با دیگران و اغلب در عشق و درک و فهم احساس کمبود دارم. چه بسا اغلب من به اجتماع و دوستی خیانت می کنم. چه بسا اغلب من هم به عیسی خیانت می کنم و طرف دیگر ، در مقابل عیسی و خواست او قرار میگیرم. این من هستم؟ بله این سؤال من هم هست

عیسی خائن را خیلی وحشتناک تهدید می کند : **وای به حال کسی که به پسر انسان خیانت می کند ، این بهتر بود که او بدنیا نیامد.** خیانت به عیسی و به اجتماع او و دوستی او نمی تواند اشتباه کوچکی باشد. خیانت به عیسی مثل دزدی از ماست و ربودن امکانات حیاتی ، و گرفتن عشق ما و آزادی ما و نفس ماست. حالا برگردیم به خودمان بیرون میافتم از اجتماع و روی شونه هامان بار سنگین گناه را احساس می کنیم.

بنابراین این ترس وحشتناکی که با شاگردان عیسی بود را ما نیز داریم که نکند دیگر ما اجازه همراهی او را نداشته باشیم. آیا آن خائن من هستم؟ ما از این نگرانی اجازه نداریم فرار کنیم. در زندگی انسانی ما با دیگران و همچنین در زندگی ما در بین راهی که خدا برای ما آماده کرده است، خیلی شانسهها و خیلی مثالهایی درباره آن وجود دارد ، که آنجا ما او را کاملاً رها کردیمو در وحشتناکترین عمل ممکن افتادیم. این را ما می دانیم و این را شاگردان عیسی نیز می دانستند . و کجا عیسی کاملاً قرار دارد؟

عیسی سر میز می‌نشیند ، عیسی سر میز مثل همیشه با گناهکاران می‌نشیند. ولی در آن روز که عیسی مراسم نان و شراب را مرسوم کرد، او به شاگردانش گفت که یک پایان عجیب در راه است. عیسی با دانایی بر سر میز در آن اجتماع اعلام می‌کند که یکی از شما خیانت خواهد کرد. و بعد او با آن‌ها می‌نشیند و این جمع سر میز را تا پایان ننگه می‌دارد. ولی عیسی فقط از این بابت خوشحال نیست که با شاگردانش برای غذا خوردن دور هم نشستن بلکه آن‌ها خاطره خوبی را می‌توانند بعدها به خاطر بیاورند از این دور هم بودن. او می‌خواهد برای همیشه اینجا باشد. دقیقاً مثل زمانی که در انجیل یوحنا فصل 16 آیه 22 می‌گوید: \* در مدت زمان کوتاهی شما مرا نمی‌توانید ببینید و بعد از مدتی باز من در بین شما خواهم بود\* این نمی‌تواند کافی باشد که تنها ما کارهای عیسی را یادآوری کنیم، و این نمی‌تواند کافی باشد که ما آموزه های او را تنها حفظ کنیم. این نمیتواند کافی باشد که ما تنها مراسم نان و شراب را برگزار کنیم تا او را یادی کرده باشیم. نه ، او می‌بایست هماکنون نیز حاضر باشد. او جسم خودش را به ما می‌دهد. برای این کار او منظوری داشته است. او برای ما خون خودش را می‌دهد در عهد عتیق خون حامل زندگی بوده است. عیسی زندگی خودش را برای ما می‌دهد تا بتواند کاملاً با ما باشد. نه فقط در گذشته وقتی که او بر سر میز 2000 سال قبل نشسته بود بلکه حالا او می‌خواهد در همین لحظه نیز حضور داشته باشد. و همچنین او نمی‌خواهد فقط با یک عده برگزیده باشد، او همه را بر سر میز خود دعوت می‌کند. همه آن‌ها که ترس دارند از این سؤال که نکند آن خائن قلم داد شوند؟

وقتی که ما هماکنون مراسم نان و شراب را با همدیگر جشن می‌گیریم و این کار را ما در صورت شب انجام می‌دهیم و در چهره فردا که جمعه سیاه است ، اما همچنین در اعتماد به عیسی و وعده او و اتحاد جدید با او و همچنین در اجتماع تازه با او که بالاتر از مرگ قرار می‌گیرد. عیسی مسیح با مرگ خودش توانست بر مرگ و گناهان ما چیره شد. و ما مراسم نان و شراب مقدس را جشن می‌گیریم با نور این ایمان.

ما می‌خواهیم مراسم نان و شراب را در آرامش برگزار کنیم: زمان ، و عیسی را در هماکنون احساس کنیم. و حس اجتماع با او را ، و اینکه او به ما جا می‌دهد و زمان و اجتماع با یکدیگر تا جشن بگیریم صلح و آرامش خداوندی با همه ما باشد که بالاتر از همه چیز است تا ما با قلب و تمام احساسمان بتوانیم در عیسی مسیح باشیم. امین